

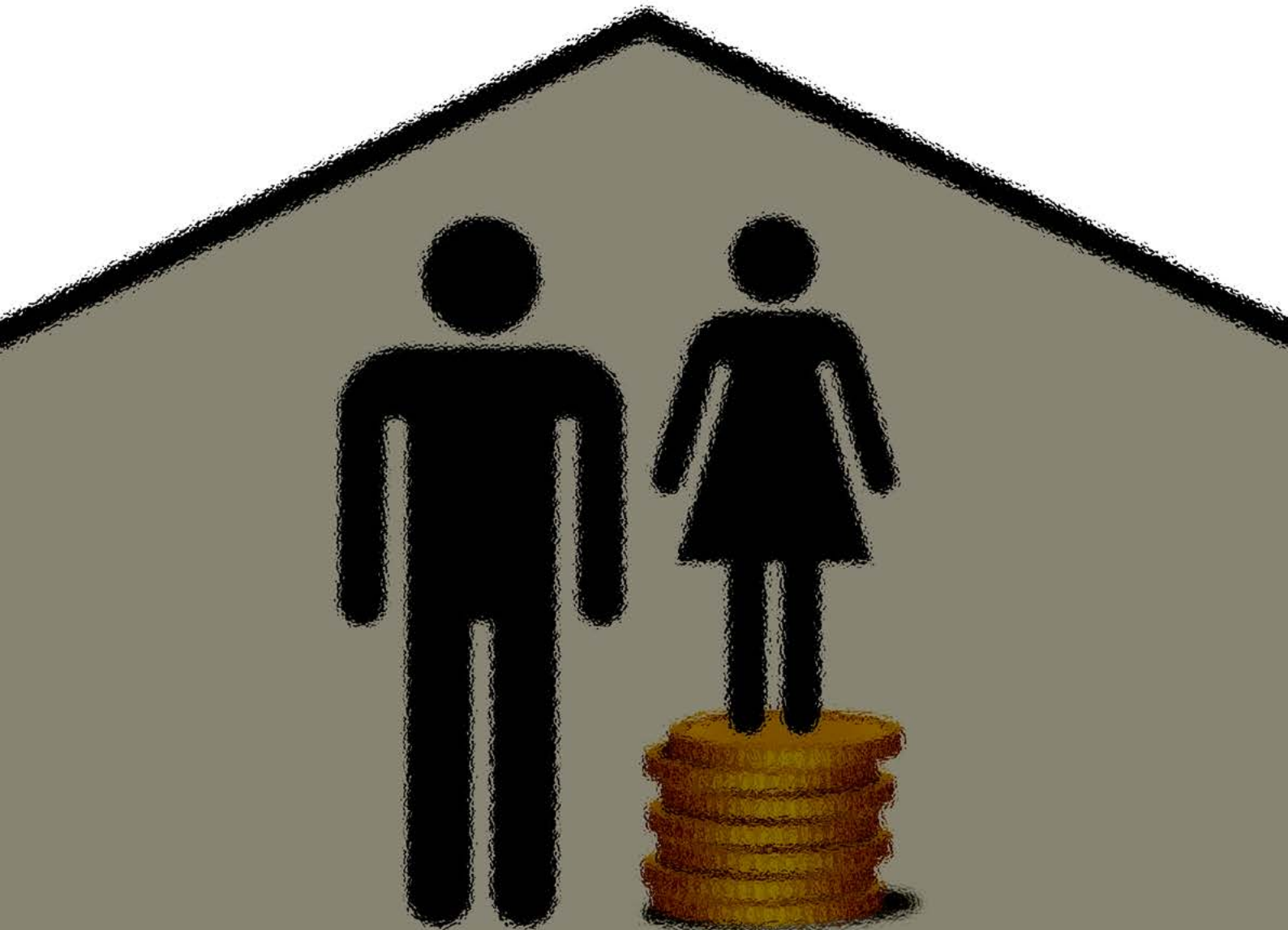
ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۸۱

۲۴ تیر ۱۳۹۷ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۸



«مهریه، ضامن یا ناقض حقوق برابر؟»



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضانزاده، میلاد پورعیسی و مهتاب خرمشاهی

مشاور حقوقی: نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مهری که به مهر زن و شوهر نمی افزاید

مهرانگیز کار: مهریه فاقد فلسفه وجودی خود شده است

آیا مهریه زن ما به ازای طلاق مرد است؟

مهریه، پشتوانه ای بدون پشتوانه

بیمه های اجتماعی، جایگزینی برای مهریه

اسلام، مهریه و نابرابری جنسیتی

فریده غیرت: تا زمانی که حق طلاق منحصر به مردان است،
مهریه نباید حذف شود

سه شعر از مهتاب خرمشاهی

مهری که به مهر زن و شوهر نمی‌افزاید



نقی محمودی

مهر یا مهریه به مالی اطلاق می‌شود که به موجب انعقاد عقد ازدواج، مرد ملزم به پرداخت آن به زن خواهد بود؛ ولو این که هنگام جاری شدن عقد نکاح، بر لزوم آن تصریح نشده باشد و زن و مرد هر دو در این خصوص سکوت کرده باشند. مهریه در قوانین برخی از کشورهای اسلامی که حقوق مدنی‌شان منبعث از فقه اسلامی است، مقرر شده است. ولی به عنوان مثال در قوانین دو کشور همجوار ایران (جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکیه) که سیستم حقوقی‌شان متأثر از اسلام نیست، مهریه پیش‌بینی نشده است.

لزوم مهریه در حقوق مدنی ایران از قواعد آمره به شمار آمده و حتی توافقی بین زوجین، مبنی بر این که زن مستحق مهر نباشد، الزام قانونی بر تکلیف و التزام مرد به پرداخت آن را زائل نمی‌کند. ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی مصرح است بر این که: «اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.»

مهریه بر سه قسم است: ۱- مهر المسمی ۲- مهرالمثل ۳-

۱- مهر المسمی اگر در حین عقد ازدواج مهریه با توافق طرفین (زن و شوهر) تعیین شود، در اصطلاح فقه به آن مهرالمسمی گویند، مهرالمسمی مال معینی است که با توافق دو طرف عقد (زن و مرد) یا شخصی که زن و مرد به عنوان داور انتخاب کرده‌اند، به عنوان مهریه تعیین می‌شود.

با دقت در متن و مفاد قانون

مدنی ایران می‌توان به این

موضوع پی برد که متأسفانه

رویکرد قانون‌گذار ایران به زن،

رویکردی کاملاً انفعالی، شئی‌گونه

و وسیله‌ای برای ارضای جنسی

مرد در مقابل پرداخت مهریه

است.

این مال می‌تواند شامل عین معین باشد: مانند وسیله نقلیه، منزل، زمین، باغ و مانند آن؛ همچنین می‌تواند منفعت باشد: مانند اینکه زن بتواند اجاره بهای منزلی را که متعلق به شوهرش است، مثلاً به مدت یک سال، دریافت کند. به همان نسبت می‌تواند عمل معینی باشد، البته عمل باید ارزش اقتصادی داشته باشد: تعلیم هنر نقاشی یا فن خیاطی، یا ساختن بنایی برای زن در مدت معینی و می‌تواند حق باشد که حق دینی و یا حق عینی است برای مثال مرد متعهد می‌شود مبلغ یکصد هزار تومان بابت مهر به زن بدهد و حق عینی، حقی که مرد در مال دیگری دارد، مانند حق ارتفاق



همچنین زن می‌تواند مادام که مهریه‌اش را دریافت نکرده است از حق حبس خود استفاده و از شوهر تمکین نکند. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می‌گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی در مقابل شوهر دارد امتناع کند؛ مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.»

با دقت در متن و مفاد مواد مذکور از قانون مدنی ایران می‌توان به این موضوع پی برد که متأسفانه رویکرد قانون‌گذار ایران به زن، رویکردی کاملاً انفعالی، شئی‌گونه و وسیله‌ای برای ارضای جنسی مرد در مقابل پرداخت مهریه است. تنزیل مقام زن به این حد و درجه راه عده ای پاسداشت مقام زن تلقی می‌کنند ولی در واقع چنین نیست. در ارتباط جنسی، هر دو طرف باید لذت لازم را کسب کنند در حالی که با چنین نگرشی، زن صرفاً باید مطیع و فرمانبردار مرد باشد چرا که مرد در ازای آن پول پرداخت کرده است.

حتی برخی از فقهای اسلامی معتقدند تنها وظیفه یک زن تامین نیاز جنسی مرد است و بنابراین می‌تواند برای کارهای دیگر از جمله غذا پختن، کارهای منزل و حتی شیر دادن بچه، از مرد تقاضای دستمزد کند. عده‌ای نیز بر این باورند که مهریه، باعث استحکام و دوام رابطه زوجین می‌شود. چنین استدلالی معقول به نظر نمی‌رسد چرا که گاه مهریه باعث ایجاد اختلاف و جدائی زن و شوهر شده است. از سوی دیگر، میلیون‌ها زوج در سرتاسر جهان، بدون تعیین مهریه با هم زندگی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها روابط مستحکمی دارند. حتی مردان و زنان زیادی هم نه‌تنها بدون مهریه بلکه بدون رعایت رسوم مذهبی و مقررات رسمی ازدواج، زیر یک سقف و با خوشبختی زندگی می‌کنند. آن چه دو انسان را به هم پیوند می‌دهد نه مناسبات مالی و ثبت رسمی ازدواج، بلکه رشته‌های محبت، عشق و احترام متقابل است.

(حق عبور از منزل دیگری) و حق انتفاع: مانند استفاده از منزلی که در اجاره مرد است.

مهرالمثل مهری است که در ضمن عقد، بر آن توافق نشده، یا توافق بر مهر شده، اما به جهتی مهر تعیین شده باطل شد یا فاقد مالیت باشد یا عدم مهر در عقد شرط شده باشد، یا اینکه نکاح به جهتی باطل باشد و زن، به بطلان نکاح جاهل بوده باشد. در هر صورت، زمانی مهرالمثل به زن تعلق می‌گیرد که بعد از عقد و پس از زناشویی باشد، نزدیکی شرط استقرار مهرالمثل است برحسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و با در نظر گرفتن مکان و شرایط و اوضاع و احوال و امثال اینها معین می‌شود.

مهرالتمتع در صورتی که مرد اقدام به طلاق زن قبل از زناشویی و قبل از تعیین مهر نماید، زن مستحق مهر نیست ولیکن بر عهده مرد است که مهرالتمتع را به زن پرداخت کند.

مهرالتمتع هدیه‌ای است که مرد برحسب وضعیت و امکانات مالی خود (اگر ثروتمند باشد بیشتر و اگر فقیر باشد نیز به اندازه دارایی خود) به زن پرداخت می‌نماید. این مرد است که مهرالتمتع را تعیین می‌کند و برخلاف مهرالمسمی است که با توافق طرفین تعیین می‌شود، در صورت اختلاف بر مقدار مهرالتمتع، حاکم مقدار آن را تعیین می‌کند. شرایط مهرالتمتع برای تعیین مهرالتمتع به آیه ی ۲۳۶ سوره بقره استناد شده است.

اما در ازدواج موقت یا تمتع، عدم تعیین مهریه، حتی موجب ابطال عقد می‌شود. این امر نشانگر آن است که اساس چنین ازدواجی «دریافت مالی از مرد در مقابل اعطای لذت جنسی» مبتنی است. در ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی: در نکاح منقطع، عدم مهر موجب بطلان است.

مهرانگیز کار: مهریه فاقد فلسفه وجودی خود شده است



فیروزه رمضان زاده

مهریه، کابین یا دست‌پیمان، در اسلام مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌شود. همچنین پس از ازدواج هر گاه زن مهریه را مطالبه کند، مرد موظف است تا آن را به زن بپردازد.

اما «مهریه»، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوقی زنان در ایران، موضوعی نیست که همه بر سر آن توافق داشته باشند.

مخالفان مهریه آن را به منزله فروخته‌شدن و تحقیر زن می‌دانند و موافقان مهریه آن را در شرایط فعلی جامعه ایران نوعی حمایت و تضمینی ضروری برای آینده زن پس از مرگ همسر و یا جدایی تلقی می‌کنند.

تعریف مهریه چیست؟ آیا مهریه برای زنان ایرانی یک ضرورت است؟ آیا جایگزینی برای مهریه وجود دارد؟ چه شرایطی برای حذف مهریه لازم است؟

مجله «حقوق ما» این پرسش‌ها را با خانم مهرانگیز کار، حقوقدان، نویسنده و فعال حقوق زنان مطرح کرده است که در ادامه می‌خوانید:

خانم کارا تعریف شما از مهریه چیست و آیا در شرایط کنونی جامعه ایران همچنان یک ضرورت به شمار می‌رود؟

اسلام در عقد نکاح دائم حق تعیین مهریه برای زن را با توافق مردی که خواستار زناشویی دائم با اوست، پذیرفته است. اما نکاح دائم بر پایه مهریه اعتبار پیدا نمی‌کند. اگر

زن مهریه نخواهد، عقد بدون مهریه به قوت خود باقی است. حال آن که در عقد موقت (صیغه) مهر به عقد اعتبار می‌بخشد و بدون تعیین مهریه با مبلغ معلوم، عقد باطل است.

به نقل از قانون مدنی ایران: «ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد.» «ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.»

«ماده ۱۰۸۲ - به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.»

گفته می‌شود حق زن بر تعیین و مطالبه مهریه، فلسفه وجودی‌اش این است که زن در زندگی زناشویی احساس امنیت کند و با مهریه که در مالکیت او قرار می‌گیرد، کار کند و درآمدزا شود.

در زندگی مدرن و امروزی، فلسفه مهریه به علت تحولات اجتماعی تغییر کرده. مهریه به زن امنیت خاطر نمی‌دهد، علت این است که بر اثر توسعه ارتباطات با جهان، مدل‌های غربی مورد نظر زنان ایرانی است و آنها امنیت را در نظمی جست و جو می‌کنند که زن و مرد به موجب آن نظم در اموالی که هر دو پس از ازدواج کسب می‌کنند، در صورت وقوع طلاق، شریک مساوی باشند. به این معنا که اموال منقول و غیرمنقول همزمان با طلاق نصف شده و طلاق تحقق یابد.

این که در شرایط کنونی چرا مهریه همچنان یک ضرورت به شمار می‌رود، بحث مفصلی می‌طلبد و در فرصت محدود

مصاحبه به اختصار فقط چند دلیل را برمی‌شمارم: زن به موجب احکام شرع که در کشور ما تبدیل به قانون شده است، سهم‌الارث ناچیزی دارد. مقدارش یک هشتم از اموال منقول و یک هشتم از قیمت اعیانی و عرصه املاک متوفی و یک هشتم از قیمت زمین زراعی متوفی است. از آن بدتر، اگر متوفی بیش از یک زن در نکاح دائم داشته باشد، همان یک هشتم به نسبت مساوی بین زنان تقسیم می‌شود. در اینجاست که مهریه زن اهمیت پیدا می‌کند. چون از جمله دیون ممتازه متوفی است و پیش از تقسیم سهم‌الارث بین وراثت، مهریه زن یا زنان باید جدا شده و به آنها پرداخت بشود. بنابراین می‌تواند حتی در شرایط کنونی، که مدل غربی مورد انکار حکومت دینی است، مهریه به صورت یک فرصت مورد توجه زنان قرار گیرد.

به علاوه حق طلاق با وجود ادعاهائی که شده و می‌شود، همچنان حق مطلق مرد است. زن در این باره حق محدودی دارد. مرد بدون ارائه مدارک و دلائل به دادگاه، می‌تواند زن خود را طلاق دهد مشروط بر آن که مهریه، نفقه معوقه و اجرت المثل زن را بپردازد. زن فاقد چنین حق مطلق و بی چون و چرائی است و تا دادگاه را با خرواری مدرک و دلیل و شاهد متقاعد نکند، حکم طلاق بدون رضایت مرد درباره‌اش صادر نمی‌شود.

در این جا عدم تعادل در حق طلاق به قدری می‌تواند زنی را بلا تکلیف و آشفته حال تا سال‌ها در علقه زناشویی ناخواسته‌ای نگاه دارد که چه بسا به پیری و درماندگی‌اش منجر شود.

ضرب‌المثل بسیار قدیمی «مهرم حلال، جانم آزاد» در چهار کلمه ستمگری احکام شرع در برخورد با خواسته‌های انسانی زن را بازتاب می‌دهد. زن مهریه‌اش را بذل می‌کند و رضایت شوهر را برای رهایی می‌ستاند. دادگاه به فریادش نمی‌رسد اگر این ابزار را نداشته باشد.

این که چه شگردهائی مردان برای گریز از پرداخت مهریه‌های متعارف به کار می‌برند و چه نوع سوءاستفاده‌ها و کلاهبرداری‌هایی از سوی زنان امروزی زیر نام مهریه رواج یافته، موضوع



جامعه‌شناسانه‌ای است که ریشه‌هایش را باید در دیگر مفاسدی یافت که حکومت دینی بر جامعه ایران بار کرده است. آن نیز موضوعی است که تفصیل را می‌طلبد.

به نظر شما چه شرایطی زمینه‌های حذف مهریه را فراهم می‌کند؟

شرایطی که زن در آن شرایط با مرد در زندگی زناشویی از نظر قانونی، برابر شناخته شده باشد. چند شرط را نقل می‌کنم:

- سن زناشویی ۱۸ سال بشود.
- زن بدون شرط ضمن عقد و به موجب قانون برای ادامه تحصیل و اشتغال در تمام دوران زناشویی بتواند به استقلال عمل کند.
- سهم الارث هر دو از یکدیگر مساوی باشد.
- مرد حق چند همسری نداشته باشد.
- زن و مرد شریک‌المال یکدیگر باشند و در صورت تحقق طلاق دارائی نصف بشود.
- زن و مرد هر دو به صورت برابر حق حضانت و ولایت بر فرزندان صغیر و محجور خود را داشته باشند.
- حق طلاق برای زن و مرد یکسان باشد.
- زن و مرد در مدیریت مالی زندگی زناشویی به یکسان مشارکت کنند. در حدود توانائی هریک.
- برای زنان خانه‌دار در صورتی که دولت از کارآفرینی پاره‌وقت برای آنها عاجز است، پوشش بیمه تعیین بشود.
- و شاید تحقق موارد دیگر که برابری در حق و تکلیف را به صورت قانونی برای زن و شوهر به رسمیت بشناسد.

آیا تاکنون مهریه در زندگی زنان ایرانی به عنوان اهرم کمکی و دفاعی مثر ثمر بوده است یا خیر؟

به نظر من در زمان و مکانی که مهریه مطرح شده، فلسفه وجودی خودش را داشته و مفید هم بوده است. شبهه جزیره ۱۴۰۰ سال پیش عربستان را می‌گویم. هنوز هم در بافت کشاورزی روستاهای ما گاهی دیده‌ام که بسیار سودمند است. آنها فلسفه وجودی مهریه را به روال قدیم حفظ کرده‌اند. مثلاً سه دانگ خانه را پشت قباله می‌اندازند؛ درست هم‌زمان با اجرای عقد. بنابراین ارقام نجومی نمی‌نویسند توی سند نکاح و نمی‌نویسند «عندالمطالبه» که هرگاه جنگ و جدال شد زن مهرش را به اجرا بگذارد و احیاناً مرد زندانی بشود. بلافاصله زن مالک مهریه می‌شود و احساس می‌کند

در خانه خودش زندگی می‌کند، نه شوهرش. در شهرهای بزرگ، مهریه دیگر فاقد فلسفه وجودی خود شده و البته به صورت ابزاری کمک می‌کند تا زن، تمام یا بخشی از آن را به شوهر بذل کند و به ازای این بذل به طلاق خلع مطلقه شده و از شر طلاق رجعی که به مرد اجازه می‌دهد در مدت عده رجوع کند خلاص بشود. بله این جور فایده‌های ابزاری را داشته و دارد.

قانون «نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» پس از ۱۱ سال از سوی قانون‌گذار در سال ۱۳۹۴ ابلاغ شد. اثبات اعسار یا عدم اعسار با قانون قبلی تفاوت‌هایی دارد. در قانون قدیم معرفی مال مدیون و اثبات تمکن مالی مدیون برعهده طلبکار بود ولی در قانون جدید اثبات عدم تمکن مالی و عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون گذاشته شده است.

این قانون چه ایرادات حقوقی دارد؟ در شرایطی که برخی از مردان به راحتی می‌توانند برای اثبات اعسار خود اموال شان را مخفی کنند یا به اسم خواهر، مادر و یا نزدیکان خود بزنند.

به نظر من چندان فرقی نکرده است. چون در ایران همه می‌توانند اموال خود را به خصوص وقتی بدهکارند به نام این و آن کنند. معرفی مال از سوی طلبکار مشکلات خودش را داشت. مثلاً شوهر کلی سرمایه دست بازاری‌ها دارد، زن یا از آن بی‌خبر است یا به فرض که به دادگاه اعلام کند، بی‌حاصل است. دادگاه‌های ایران به قدری سرشان شلوغ است که اگر بخواهند دنبال صحت و سقم این ادعاها بروند دادرسی از این هم که هست طولانی‌تر خواهد شد. ادعای اعسار هم که همیشه با بدهکار بوده است. اوست که باید ثابت کند معسر است و آه در بساط ندارد. در تغییر قانون که به آن توجه می‌دهید، دادگاه از مراجعی مانند ثبت اسناد و محل کار بدهکار و برخی مراکز دیگر استعلام می‌کند.

البته اگر ثابت شود که مرد درست در مرحله بالا گرفتن اختلاف اموالش را به دیگران منتقل کرده است، از باب معامله صوری به قصد فرار از دین مورد پی‌گرد قرار می‌گیرد. این را زن به صورت دعوی جداگانه‌ای می‌تواند به محض اطلاع مطرح کند.

تصور نمی‌کنم در کشوری که راه گریز از مالیات بسیار باز است، این که طلبکار یا بدهکار در مقام معرفی مال برآیند تفاوتی با هم داشته باشد.

آیا مهریه زن ما به ازای حق طلاق مرد است؟



میلاد پورعیسی

حورا سپهر، کارشناس حقوق، اگر چه با فلسفه مهریه در قانون مدنی ایران، مخالف است ولی می‌گوید باید در حال حاضر که انواع نابرابری‌ها از جمله نابرابری‌های اقتصادی به زنان تحمیل شده، به کمکی که این قانون برای پیشبرد استقلال مالی آنها می‌کند، توجه کرد.

او مخالف جدی این ایده است که مهریه زن را با حق طلاق مرد در ازدواج برابر بدانیم. چرا که به نظر این حقوق‌دان اولاً حق طلاق، حقی ذاتی است که باید به دو طرف یک زندگی مشترک تعلق داشته باشد و دوم این که شرایط دریافت مهریه برای زنان به حدی دشوار است که آنها را در عمل از همین حق ناچیز هم تقریباً محروم می‌کند.

متن گفت‌وگو با حورا سپهر:

به نظر شما فلسفه مهریه از نظر اسلام چیست؟

در آیه‌های متعدد قرآن و احادیث ائمه شیعه، ریشه‌های مختلفی برای مهریه شمرده شده است. عده‌ای ازدواج را مانند سایر عقود، عقد معاوضه دانسته و شرط بقای این عقد را مهریه دانسته‌اند. عده‌ای آن را صرفاً هدیه‌ای از مرد برای همسر تلقی کرده‌اند.

بعضی هم می‌گویند مهریه برای تضمین بقای عقد نکاح تعیین شده است. این وسط ولی نه هدف اسلام از مهریه که نوع تعریف آن در قانون مدنی و آئین نامه‌های اجرایی است که برای نقد آن اهمیت بیشتری دارد.

یکی از مواردی که نقدهای زیادی به آن وارد شده، ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی است که مهریه را شرط زن برای تمکین درباره

رابطه جنسی دانسته است. تفسیری که آقای دکتر کاتوزیان در مورد این ماده مطرح کرده است، در واقع نوعی «حق حبس» است. به این معنا که اگر زن حتی یک بار در برابر درخواست رابطه جنسی تمکین کرده باشد، دیگر اجازه ندارد که برای برقراری این رابطه از شوهر درخواست مهریه کند. پس تحقق این حق برای زن، امری است که به سختی عملی می‌شود.

گذشته از این که این ماده به روشنی کسر شأن زن است. چون او را به این مسیر می‌کشاند که در برابر عمل جنسی خود از مرد مانند یک معامله «ما به از» و اجرت دریافت کند.

پس شما آن چه که در قانون مدنی درباره مهریه آمده بدترین تصویر از سنتی است که آن را هدیه‌ای از طرف مرد دانسته است. درست است؟

همین طور است. در یکی از آیه قرآن آمده که مهریه هدیه زن است و مبادا با بستن تهمت به او، این هدیه را ندهید. جالب است که امروز بعضی از زنان در هنگام طلاق این سوال را دارند که قانون به اصطلاح مدرن جمهوری اسلامی، می‌تواند آنها را به بهانه تهمت شوهر در مورد «رابطه نامشروع»، از مهریه محروم کند؟

این سوال‌ها برای چه به وجود می‌آید؟ چون نوع نگاه قانونی مدنی به مهریه، نگاهی از بعد معامله است که البته مرد حق دارد در شرایط مختلف، شرط بقای آن «معامله» را نپردازد.

با این دیدگاه که بعضی از منتقدان مدرن می‌گویند مهریه در جامعه نابرابر جنسیتی می‌تواند نقش حمایت

مالی از زنان را ایفا کند موافق هستید؟

از نقدهای محتوایی متعددی به این نگاه اگر بگذریم باید ببینیم چقدر در عمل مهریه می تواند حامی مالی زنان بدون پشتوانه باشد؟

من به عنوان کسی که برای زنان این جامعه کارگاه آموزشی «شروط ضمن عقد» برگزار می‌کنم، هر چند با این سنت، مشکلات زیادی دارم اما به کسی گذشت از مهریه را توصیه نمی‌کنم. چون ما به قول این دوستانی که گفتید در شرایط نابرابری هستیم و باید از کوچک‌ترین مفرها برای بهبود اوضاع زنان استفاده کنیم.

من از همه زنان با تمام سطوح تحصیلی، فرهنگی و مالی انتظار مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان ندارم. همه حق دارند برای حفاظت از امنیت مالی خود، پشتوانه‌ای داشته باشند و برای زنانی که اندوخته شخصی ندارند مهریه می‌تواند این اندوخته را هر چند جزئی فراهم کند.

اما یک حقوق‌دان برابری خواه موظف است، در کنار این که حق زنان تهیدست را برای بهره‌مندی از مهریه در نظر می‌گیرد، همزمان به قوانین و آئین‌نامه‌هایی که به آنها اجازه نمی‌دهد وارد بسیاری از مشاغل شوند، یا دست‌مزدشان را پایین تر از مردان نگه می‌دارد نیز اعتراض کند.

بدون اعتراض به این قوانین و آئین‌نامه‌ها، ما به حاکمان پیام می‌دهیم به شرایط نابرابری که برای زنان ساختید معترض نیستیم. در واقع من در شرایط موجود طرفدار این هستم که مهریه حمایت اقتصادی خود را از زنان بی‌پشتوانه ادامه دهد، اما همزمان [باید] بر تغییر رویکردهایی که این وضعیت نابرابر را هم ساخته تأکید کنیم.

با این دیدگاه که مهریه ما به ازای حق طلاق مردان است چقدر موافق هستید؟ گفته می‌شود، وقتی مرد حق طلاق را به صورت قانونی دارد، مهریه زن در برابر آن حق نوعی تعادل برقرار می‌کند. نظر شما چیست؟

شاید در حرف بشود چنین ادعایی را مطرح کرد اما وقتی پرونده‌های قضایی مربوط به مهریه را مطالعه می‌کنید می‌بینید که دریافت مهریه برای زن بسیار دشوارتر از آن چیزی است که برخی فکر می‌کنند.

دلیل این دشواری هم آئین‌نامه‌های اجرایی است که برای قانون مهریه وضع شده و بیشتر آنها در جهت معاف کردن مردان از پرداخت مهریه یا پرداخت آن به شیوه‌ای است که عملاً ارزش مالی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد.

یکی از مواردی که پی‌گیری پرونده مهریه را برای زنان دشوار



کرده، بالا بردن هزینه دادرسی آن است. قوه قضائیه برای رسیدگی به این دادخواست‌ها مقرر کرده که زنان برای یک میلیون تومان اول هر مهریه ۲۰ هزار تومان، و برای هر یک میلیون تومان بعدی نیز ۱۵ هزار تومان به دادگاه بپردازند.

طبیعی است که بسیاری توان پرداخت این مبالغ را ندارند و به ناچار از دریافت مهریه خود صرف‌نظر می‌کنند. هر چند زنان در این مرحله می‌توانند درخواست اعسار کنند، ولی باز تشخیص اعسار با دادگاه است و معلوم نیست کدام درخواست پذیرفته و کدام رد می‌شوند.

قسط‌بندی‌های طولانی مدت مهریه برای مرد، به نحوی که آن مبلغ مهریه بعد از مدتی ارزش مالی خود را تقریباً از دست می‌دهد نیز بخش دیگر قضیه است. مرد اگر بتواند عدم مناعت مالی خود را برای واگذاری بخش از مال خود به عنوان مبلغ مهریه ثابت کند، دادگاه به او اجازه می‌دهد هر ماه تنها یک چهارم از حقوق دریافتی خود را به زن بپردازد. با توجه به پایین بودن حقوق ماهیانه بخش بزرگی از مردم، شما تصور کنید یک چهارم از این مبالغ چه پشتوانه مالی‌بی را می‌تواند برای زن فراهم کند؟

البته مقصر این شرایط به هیچ وجه مردان نیستند. این وضعیت را قانون تبعیض‌آمیزی به وجود آورده که هر دو طرف یک زندگی زناشویی در آن قربانی هستند؛ هر چند نمی‌توان انکار کرد که تبعیض علیه زن در این مورد بسیار بیشتر است.

در ضمن، این را هم باید در نظر گرفت که وقتی زنی به هر دلیلی می‌خواهد از زندگی مشترک خارج شود و مرد با آن مخالف است، زن مجبور است از مهریه خود بگذرد. زنانی هستند که به دلیل نبود پشتوانه مالی و ترس از آینده بعد از طلاق، از آن می‌گذرند و ناخواسته به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهند.

در این شرایط نمی‌توان گفت، مهریه و حق طلاق، دو حق برابر برای زن و مرد است. وقتی می‌توان چنین ادعایی کرد که هر دو طرف برای بهره‌برداری از حق خود، آزادی کامل داشته باشند. این بحث‌ها که گفتم به معنای قبول اصل قانون مهریه نیست. قبلاً هم گفتم با این قانون، مشکل مبنایی دارم ولی همین حق محدودی هم که در یک قانون برای زن در نظر گرفته شده، در بسیاری قوانین و آئین‌نامه‌های اجرایی دیگر مورد خدشه قرار گرفته است.

از نظر محتوایی هم مهریه یک «ما به از» برای حق طلاق مردان نیست. چون حق طلاق یک حق ذاتی برای هر دو طرف است که نمی‌توان در برابر چیز دیگری آن را از یک طرف سلب کرد.

مهریه، پشتوانه‌ای بدون پشتوانه



فیروزه رمضانزاده

بسیاری از فعالان حقوق زن و حقوق‌دانان معتقد هستند که مهریه در شرایط موجود، پشتوانه‌ای برای بقا و ادامه زندگی مشترک نیست و فاقد ضمانت اجرایی است.

مینا جعفری، حقوق‌دان ساکن تهران، از جمله حقوق‌دانانی است که معتقد است مهریه کارکرد گذشته خود را از دست داده و بیشتر به عنوان یک ابزار و پشتوانه روانی برای ادامه یک زندگی مشترک ولو به شکل ظاهری استفاده می‌شود.

خانم جعفری در گفت‌وگو با «حقوق ما» با تأکید بر این نکته که مهریه یک پشتوانه بدون پشتوانه به شمار می‌رود، معتقد است: «مهریه ضمانت اجرایی چندانی ندارد؛ یعنی پشتوانه خیلی محکمی برای بقای زندگی زناشویی نیست.»

جعفری با این دیدگاه به موضوع مهریه نگاه می‌کند که باید به قانون مدنی در حوزه خانواده به صورت به‌هم‌پیوسته توجه شود.

او معتقد است: «از یک سو گفته می‌شود مهریه حق زنان است و باعث می‌شود حکم جلب علیه مرد بگیرد و مرد را راهی زندان کند ولی از یک سو محدودیت تا ۱۱۰ سکه برای جلب در نظر گرفته شده و از سوی دیگر با تحدید حق زنان بر مهریه، این خدشه هم به موضوع مهریه وارد شده است. ولی در ازای آن، حق طلاق زنان به زنان داده نشده است.»

به گفته این وکیل دادگستری، مهریه در قوانین فعلی ایران ابزار محسوب می‌شود. نمی‌توان روی این تنها حق زن دست بگذاریم و حوزه دیگر را نادیده بگیریم و در واقع یک مجموعه کاملاً به هم پیوسته است و باید با هم مورد توجه قرار بگیرند.

من فکر نمی‌کنم که مهریه کمک کند به این که حقوق زن یا مرد حفظ شود و اساساً ارتباط چندانی با مساله حقوق افراد ندارد.

چنانچه با هم مورد توجه قرار نگیرد حقوق هر یک از زوجین یا حقوق یکی از آنها مورد خدشه قرار می‌گیرد.

مینا جعفری در ادامه می‌گوید: «قوانین ما در حوزه خانواده برای حدود ۹۰ سال پیش است؛ یعنی حدود یک قرن! این قوانین بسیار قدیمی‌اند، حالا چه آن بخش که از فقه گرفته شده باشد و چه آن بخش که از قانون فرانسه گرفته شده است. قوانین ما ترکیبی هستند، یعنی هم از فقه گرفته شده و هم از قوانین کشورهای دیگر؛ به خصوص فرانسه. پس ما ناگزیریم که اگر بخواهیم یک بخشی از قوانین مربوط به خانواده را تغییر دهیم، اگر می‌خواهیم با نگاهی اصلاحی به موضوع نگاه کنیم، باید کل قوانین را اصلاح کنیم. ما با اصلاحات موقتی و تکه‌تکه راه به جایی نخواهیم برد.»

او در ادامه معتقد است: «همان‌طور که می‌دانید، مدام می‌گویند این بخش از قانون را اصلاح کنید یا آن بخش را. ولی این شیوه، درمان این درد، آشفته‌بازار خانواده ایرانی

مینا جعفری در ادامه می‌گوید: «به نظر من به عنوان یک حقوق‌دان و یک زن، در ایران واقعیت این است که مهریه بیشتر یک تضمین روانی‌ست برای بقای زندگی مشترک. ولی واقعیت این است که ما چنین تضمینی نداریم، هیچ تضمینی برای ادامه زندگی و رابطه زناشویی در هیچ کجای دنیا وجود ندارد، از جمله ایران. اما به هر حال مهریه یک پشتوانه محسوب می‌شود؛ یک پشتوانه‌ی بدون پشتوانه. به این دلیل که قاعدتاً اکثر زنان ایرانی به دنبال مهریه نمی‌روند. آن دسته از زنان که به دنبال مهریه می‌روند، یا نیازمند آن هستند یا طیف خاصی هستند که من به شخصه مخالف رویه چنین افرادی هستم. چون اساساً دنبال تشکیل خانواده نیستند. البته این افراد بسیار انگشت شمارند.»

این حقوق‌دان معتقد است: «بنابراین مهریه ضمانت اجرایی چندانی ندارد. یعنی پشتوانه خیلی محکمی برای بقای زندگی زناشویی نیست. ببینید! اگر همسران شما را خواهد، چه زن چه مرد، بالاخره این جدایی رخ خواهد داد؛ شاید ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر. اما از همان لحظه که در ذهن یکی از دو طرف جدایی شکل می‌گیرد، در ذهن فرد، جدایی شکل گرفته است. به همین دلیل ما شاهد افزایش خیانت در زندگی زناشویی هستیم، هم از طرف زن یا مرد. در خانواده‌های ایرانی به طرز سرسام‌آوری شاهد افزایش خیانت هستیم. به همین دلیل ما ناگزیریم که یک جایگزین دیگری برای مهریه داشته باشیم.» جعفری از بُعد خانواده به موضوع مهریه اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اگر خانواده برای ما مهم باشد، زن و مرد هم اهمیت پیدا می‌کنند. من فکر نمی‌کنم که مهریه کمک کند به این که حقوق زن یا مرد حفظ شود و اساساً ارتباط چندانی با مساله حقوق افراد ندارد.»

وی به گزینه بیمه اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر بیمه باشد که بسیار گزینه خوبی است. بیمه کل شهروندان؛ بیمه‌ای که در ایران وجود ندارد. بارها پیشنهاد داده‌ام که همه شهروندان ایرانی اعم از زن و مرد باید تحت پوشش بیمه قرار بگیرند. یعنی یک ضمانت و پشتوانه‌ای بدهیم برای تأمین مالی افراد در ایران. بنابراین به خاطر مسائل مالی نباید روابط افراد، شکل به ظاهر عاطفی به خودش بگیرد.»

این حقوق‌دان در ادامه می‌گوید: «امیدوارم که قانون‌گذاران به یک درایتی برسند تا شکل خانواده به همراه محتوای آن را حفظ کنند و یک رویکرد اصلاحی نسبت به این موضوع داشته باشند. فکر می‌کنم باید سازوکار جدیدی تعریف شود، نظیر ساز و کار جوامع غربی در حوزه تأمین منابع مالی و کمک به افراد.»



نیست. مفهوم خانواده، به خاطر ضعف قوانین و عدم اصلاح قوانین به خصوص در حوزه مهریه، کمی زیر سوال رفته است. در حقیقت، چه بخواهید چه نخواهید در اذهان زنان ایرانی و حتی مردان ایرانی به عنوان پشتوانه مالی و روانی برای زنان در نظر گرفته شده است. روانی به چه مفهوم؟ یعنی اگر شما مهریه بالاتری داشته باشید به لحاظ روانی به مرد فشار وارد می‌شود که من نمی‌توانم این زن را طلاق بدهم. باید کل مهریه‌اش را بپردازم. یعنی یک ابزار بازدارنده شده برای از هم پاشیده شدن ظاهری خانواده‌ها. یعنی این مسأله به این مفهوم نیست که الزاماً خانواده‌ها در کنار یکدیگر خواهند بود؛ نه! همان‌طور که می‌دانیم و می‌بینیم هر روز طلاق‌های عاطفی و فیزیکی زیاد رخ می‌دهد. یکی از دلایل طلاق می‌تواند همین مسأله مهریه باشد. زن و شوهرها نمی‌توانند با هم تفاهم داشته باشند اما به خاطر مسأله مهریه نمی‌توانند از هم جدا شوند.»

بیمه‌های اجتماعی، جایگزینی برای مهریه

علی امینی: جایگاه مهریه نیاز به تعریفی جدید و متناسب با جامعه ایرانی دارد.

«در وضعیت فعلی وجود سازمان‌های مددکاری و کمک‌کننده مانند بهزیستی یا کمیته امداد نمی‌تواند یا نتوانسته یک تضمین مؤثر و آبرومند و جایگزین مناسب باشد. البته این مشکل در خصوص کارمندان و کارگران رسمی دولت و غیر آن یا کسانی که در پوشش سازمان‌های بیمه هستند، تا حدودی حل شده است ولی تضمین واقعی و چاره ساز و روزآمد نیست.»

جملات بالا بخشی از اظهارات علی امینی، کارشناس حقوق اسلامی ساکن قم است. او در مورد مهریه از بُعد فقه اسلامی و قانون مدنی ایرانی به مجله «حقوق ما» می‌گوید: «از مهریه و این که مابه‌ازای چه چیزی است، با توجه به تمامی شرایط، بحث‌ها و نظرات مختلفی بیان شده و این گونه می‌توان گفت که مالی است که شوهر موقع نکاح برابر رسوم و عادات به زن می‌دهد یا تعهد به پرداخت آن می‌کند. در این خصوص نیز قواعد و مقرراتی در قانون وجود دارد. بنابراین هم در مورد این که مهریه در برابر چه چیزی به زن تملیک می‌گردد یا تعهد به تحویل آن می‌شود، نظرات مختلفی وجود دارد و هم این که در خصوص میزان و نحوه آن در کشورهای مختلف اسلامی و حتی در مناطق مختلف رسوم و عادات متفاوتی وجود دارد.»

او در ادامه می‌افزاید: «مثلاً در بعضی نقاط، وجه نقد یا طلا پرداخت یا تعهد به دادن آن می‌شود و گاهی زمین و ملک موضوع مهریه قرار می‌گیرد. لذا با توجه به اوضاع و احوال و تاریخ و سنن، می‌توان عنوان کرد که مهریه به نوعی می‌تواند تضمین مالی زن باشد. اگر چه این برداشت نیز وجود داشته و دارد که مهریه و جهیزیه کمکی به یک زوج جوان در آغاز زندگی مشترک است.»

به نظر امینی، در خصوص این که مهریه می‌تواند تضمینی برای آتیه زن و فرزندانش باشد ابتدا باید به این نکته توجه نمود که مهریه ملک و از آن زن است و هزینه زندگی یا به اصطلاح نفقه زن و فرزند در حالت عادی و معمولی مطابق با قوانین بر عهده شوهر است که اموال پدر خانواده هم به ارث می‌رسد ولی در

موارد استثنائی مانند فوت زود هنگام مرد یا وقوع طلاق و جدائی به هر علت، طبیعتاً مهریه یک تضمین مالی محسوب می‌شود.»

این حقوق‌دان به بیمه‌های اجتماعی به عنوان جایگزین مهریه اشاره می‌کند: «در خصوص وضعیت جایگزین باید گفت که بیمه‌های اجتماعی بایستی این تضمین را یا از طرف شخص یا از طرف دولت عهده‌دار شود. چه این که در بسیاری از موارد فقدان مرد خانه به خصوص در جوامع سنتی که زن در حالت اشتغال درآمدزایی مشخص و مداوم و تضمین شده قرار ندارد، این نیاز و ضرورت بیشتر احساس می‌شود. در وضعیت فعلی وجود سازمان‌های مددکاری و کمک‌کننده مانند بهزیستی یا کمیته امداد نمی‌تواند یا نتوانسته یک تضمین مؤثر و آبرومند و جایگزین مناسب باشد. البته این مشکل در خصوص کارمندان و کارگران رسمی دولت و غیر آن یا کسانی که در پوشش سازمان‌های بیمه هستند تا حدودی حل شده است ولی تضمین واقعی و چاره ساز و روزآمدی نیست.»

به اعتقاد امینی، مشکل بیشتر در جایی ظهور می‌کند که زن به ازدواج مجدد تن می‌دهد و فرزند یا فرزندان در این خصوص و به‌ویژه در میان طبقات متوسط به پایین جامعه بیشتر با مشکلات معیشتی که خود اساس و بنیان سایر مشکلات و نارسائی‌ها است، روبه‌رو می‌شوند.

علی امینی در مورد افرادی که اموال خود را به قصد فرار از پرداخت مهریه به نام مادر، خواهر و نزدیکان خود سند می‌زنند، می‌گوید: «در خصوص وضعیت خاص اختفای اموال یا انتقال آن به قصد فرار از پرداخت دیون به همسر مطلقه یا حتی غیر آن در جایی که همسر از ادای نفقه پرهیز می‌کند، ابتدا بایستی موضوع را از لحاظ اجتماعی و کاستی‌های آن و به خصوص کاستی‌های اخلاقی و ضعیف شدن بنیان خانواده مورد توجه قرار داد. زیرا فرض قانونی و عاقلانه بر آن است که زوجین با موافقت و خواست یکدیگر تصمیم به زندگی مشترک می‌گیرند لذا نبایستی یکی از



طرفین در حالت طبیعی از پرداخت مهریه اجتناب نماید یا آن دیگری در شرایطی ناگزیر از توسل به قانون در جهت استیفای حق خود شده و موجب بروز مشکلات مختلف شود. همانگونه که پیش از این و در تعریف مهریه عنوان شد، مهریه یا مابه‌ازایی است که به زن پرداخت می‌شود یا کمکی است به زوجین برای آغاز یک زندگی مشترک که در مواردی تضمین مالی برای همسر نیز هست که در حالت اول حق زن است و در صورت دوم لازمه آغاز زندگی مشترک.»

او در ادامه توضیح انتقال اموال به جهت فرار از دین، مهریه یا نفقه می‌افزاید: «با توجه به این که مهریه از دیون ممتاز بوده و در حالت ارث نیز ابتدائاً از ماترک جدا می‌شود، اگر انتقال به جهت فرار از دین و صوری بوده باشد، مطابق ماده ۲۱۸ قانون مدنی معامله باطل است. لازم به ذکر است که این ماده قانونی در سال ۱۳۶۱ از قانون مدنی حذف شد و در سال ۱۳۷۰

مجدداً و با تغییراتی وارد قانون مدنی شد. در ماده سابق عدم نفوذ معامله بود و بعد تبدیل به بطلان شد هر چند که در این خصوص نیز ابهاماتی وجود دارد. در ماده ۲۱۸ مکرر طلبکار این توان را دارد که در صورت اطلاع از معامله به قصد فرار از دین با تقدیم دادخواست به میزان طلب خود اموال را توقیف کند. به هر صورت بروز این مشکل و اختفای مال به انگیزه فرار از مهریه تا حدودی زیادی با میزان نامتعارف مهریه بستگی دارد که خود معلول مسائل دیگری است که به صورت قطع و یقین با جایگاه زن و احترام و تقدس نهاد خانواده در تناقض و ناهماهنگی و عدم تناسب است.»

علی امینی مهریه‌های بالای برخی از زنان ایرانی را نوعی اهرم فشار و ناشی از نبود تضمین برای زنان و بحران‌های موجود در جامعه می‌داند. او می‌گوید: «در حال حاضر از طرفی سستی بنیان زندگی به جهت عدم آموزش مناسب و فقدان آزادی‌ها و این که خانم‌ها به صورت غیرمناسب و غیر منطقی مهریه‌های سنگینی را قرار می‌دهند که خود این موضوع علت‌های مختلفی سنتی و غیر سنتی دارد و از طرفی قرار دادن این مهریه از حالت طبیعی خود خارج بوده و نوعی اهرم فشار یا تصمیم نامناسب می‌تواند تلقی شود که متناسب جایگاه مورد ادعای بانوان ایرانی و برابری و اقدام به زندگی مشترک نیست. البته بخشی از مشکل نیز ناشی از بحران‌های موجود در جامعه است. بنابراین قراردادن مهریه نامتعارف و غیرمعمول خود موجب ایجاد بحران‌های جدید شده است و از سویی به اندک اختلافی زن اقدام به اجرا گذاشتن و مطالبه آن می‌کند. برخلاف مثل معروف و متداول مهریه را «که داده و که گرفته» که ناشی از همان تفکر کمک به زندگی و آتیه بوده است، مهریه موجب محکومیت‌های مالی و زندان می‌شود که بنیان خانواده‌ها را فرو می‌ریزد. به همین جهت است که به جهت مشکلات بسیار زیادی که پدید آمد، دادگاه‌ها نیز دین ناشی از مهریه بیش از ۱۱۰ سکه را مورد حکم زندان قرار نمی‌دهند و اصولاً درج آن در عقدنامه را منع کرده یا توصیه نمی‌کنند.»

این حقوق‌دان در مورد تغییر جایگاه و موضوعیت مهریه معتقد است: «به نظر می‌رسد جایگاه مهریه نیاز به تعریفی جدید و متناسب با جامعه ایرانی دارد. اگر در گذشته وجود مهریه‌های به اصطلاح سبک موجب ایجاد زندگی مشترک و با دوامی می‌شد اکنون در برخی از ازدواج‌ها مهریه‌هایی قرار می‌دهند که جنبه اجتماعی و نفع جامعه در انگیزه قرار دادن آن وجود دارد. مانند کاشتن نهال یا باسواد کردن اشخاص و مانند آن. این‌ها نشانه‌هایی از تغییر نگرش به مابه‌ازای مهریه است و در نتیجه استحکام و تضمین زندگی فعلی خانواده و یا معیشت و تضمین آینده مالی زن و فرزندان را باید در جایی دیگر جستجو کرده و یا برای آن تضمیناتی مانند بیمه‌های اجتماعی قرار داد که البته انواعی از قرارداد بیمه در جامعه فعلی ایران نیز در این خصوص وجود دارد.»

اسلام، مهریه و نابرابری جنسیتی



میلاد پور عیسی

حسن فرشتیان، حقوق‌دان و پژوهشگر دینی، معتقد است که بیشتر از رویکرد اسلام به سنت مهریه، این نگاه قانون مدنی جمهوری اسلامی است که در عمل آن را به پدیده‌ای سوال‌برانگیز تبدیل کرده است.

به عقیده این حقوق‌دان، مهریه یک پدیده تاریخی و فرهنگی است که در دوره‌ها و جوامع مختلف هم، فلسفه‌هایی به آن بار شده است.

حسن فرشتیان اگر چه قبول دارد که سنت مهریه زاینده جامعه‌ای است که در آن نابرابری جنسیتی موج می‌زند، از سوی دیگر فکر می‌کند با تغییر نگاه جامعه و قانون مدنی، می‌توان آن را به نماد محبت همسران تبدیل کرد.

متن گفت‌وگوی مجله «حقوق ما» را با حسن فرشتیان در ذیل می‌خوانید.

دیدگاه‌های متفاوتی درباره فلسفه مهریه در شرع اسلام مطرح شده است. هدف از سنت مهریه در شرع اسلام چیست؟

مهریه در طول تاریخ کارکردهای مختلفی داشته است. در برهه‌های مختلف تاریخی، کارکردهای اقتصادی و کارکردهای عاطفی به عنوان اهدای هدیه به شریک زندگی، بر سنت مهریه بار شده است. به ویژه در جوامع شرقی مثل ما که معمولاً این مرد است که هدیه می‌دهد و زن معمولاً گیرنده آن است، کارکرد عاطفی آن بیشتر جا افتاده است. این البته حتماً از نابرابری جنسیتی میان زن و مرد و در فرهنگ شرقی و ایرانی هم ریشه گرفته است. چنان که در

فرهنگ غربی، همزمان با تلاش‌ها و اقدامات برای دستیابی به برابری جنسیتی، پرداخت‌های مالی و البته هدیه دادن‌ها، بیشتر دو طرفه شده است.

اگر ما ادعا کنیم که مهریه برای پرداخت اجرت لذت جنسی است، به همان اندازه هم باید دیگر پرداخت‌هایی که یک مرد برای همسر خود در فرهنگ شرقی می‌کند، مثل انواع هدایایی که تهیه می‌کند یا دیگر مخارج زندگی که از سوی مرد پرداخت می‌شود را باید در همین قالب تفسیر کنیم و آن‌ها را نیز به عنوان خرید کالای جنسی بنامیم. در حالی که بخشی از فلسفه مهریه، ابراز محبت مرد به زن بوده است. اما در مورد کارکرد اقتصادی مهریه نیز باید ملاحظاتی را در نظر بگیریم. در دوران صدر اسلام، وقتی زوجین به خانه خود می‌رفتند، چون زندگی و حتی خانه خود را از نقطه صفر بنا می‌کردند و هیچگونه تضمینی برای تأمین آینده زوجه وجود نداشت، مهریه حکم تأمین آینده و پشتوانه اقتصادی زن را داشت.

به ویژه در شرایطی که مهریه بعد از مرگ مرد، از ارث او پرداخت می‌شد، این جنبه اقتصادی مهریه، خود را بیشتر نمایان می‌کرد.

کارکرد دیگری که بعدها مهریه پیدا کرد، کارکرد ایجاد تعادل در اقتدار زوجین در زندگی بود. یعنی در حالی که مرد، از حق طلاق برخوردار بود، زن هم اهرم فشار درخواست مهریه برای دفاع از حق خودش را در دست داشت.

مرد مجبور بود برای گرفتن رضایت زن در طلاق، یا تمام مهریه زن را بپردازد یا او را قانع کند که همه یا بخشی از آن را ببخشد. با این کار، زن هم به طرف صاحب حق و اقتدار



در رابطه زوجین تبدیل می‌شد که مرد هر وقت خواست نیست.

یعنی همان طور که شرع به مرد اجازه می‌دهد، فی‌البداهه همسر خود را طلاق دهد، زن نیز باید از چنین حقی که زن مهریه خود را بخشید، باز شرعاً حق طلاق ندارد، کاملاً غیر منطقی به نظر می‌رسد و با مبانی شرعی منطبق طلاق بگیرد. اصل فلسفه تشریح طلاق خلعی یا مباراتی در

شده جامعه و مردان، زن را از بسیاری حقوق دیگر او از جمله حق کار کردن محروم کنند.

در سوال شما دو نکته هست. این که مهریه محصول جامعه نابرابر جنسیتی است، بله! من هم قبول دارم که این قانون هم نشانه نابرابری جنسیتی است و هم تفاوت میان دو جنس.

در مورد تفاوت جنسیتی، باید گفت زن روحیه‌ای عاطفی و مادرانه‌تر دارد و مرد روحیه‌ای کودکانه‌تر. این به نابرابری جنسیتی مربوط نیست و نشانه تفاوت جنسی است. این تفاوت، یک امر دائمی است.

اما در مورد نابرابری جنسیتی، بله! این وجود داشته است و در تشریح مهریه نیز موثر بوده است. اگر فرضاً در طول تاریخ، زنان قدرت مسلط اقتصادی را در دست داشتند، شاید زنان موظف می‌شدند که مهریه بپردازند و مردان بودند که مهریه دریافت می‌کردند.

اما این که آیا مهریه تقویت‌کننده نابرابری جنسیتی است؟ پاسخ منفی است. هنگامی که در جامعه شرایط نابرابری وجود دارد، این دسته از قوانین حمایتی، حامی بخش ضعیف‌تر برای گذر از آن شرایط نابرابر است، نه این که مقوم آن شرایط باشد. مثل پرداخت یارانه به کم‌درآمدها است؛ این مقوم نابرابری نیست بلکه حمایت از ضعیف‌ترها برای گذر از شرایط نابرابر است.

برای نمونه قوانینی که در عصر برده‌داری برای محدود کردن این امر غیر انسانی در نظر گرفته می‌شد، نه تقویت‌کننده برده‌داری، که راه‌هایی برای عبور از این اخلاق مذموم بودند. این که در جامعه امروز، نوع پرداخت قانون مدنی به مهریه چه تبعاتی برای زنان داشته امر دیگری است. ببینید...

قبل از این که به نگاه قانون مدنی ایران به موضوع مهریه بپردازیم، اجازه دهید در بحث قبلی توضیح بدهم، برخی بر این اعتقاد هستند که در جامعه امروز، بسیاری از حقوق زنان، از جمله حقوق اقتصادی و مدنی آنها به بهانه پرداخت مهریه از سوی مردان نادیده گرفته می‌شود. گفته می‌شود وقتی مرد تأمین‌کننده معیشت زن است، دیگر نیازی به کار و حتی تحصیل و ورود زنان به حوزه مشارکت سیاسی احساس نمی‌شود. از این نظر گفتم که مهریه می‌تواند نوعی تقویت‌کننده نابرابری جنسیتی هم باشد.

از این دیدگاه کاملاً حق با شماست. اما این بحث بیشتر به

نفقه مربوط است، نه مهریه. بله! به قول شما در جامعه امروز ما اقشار سنتی هستند که می‌گویند وقتی مرد نفقه زن یا همان هزینه زندگی جاری او را می‌پردازد، دیگر نیاز نیست که او در عرصه اقتصادی و البته سیاسی جامعه مشارکت داشته باشد. اما این بحث در مورد مهریه مطرح نمی‌شود. زیرا در اکثر موارد در طول زندگی مشترک، مهریه به زن پرداخت نمی‌شود که مرد بگوید چون مهریه‌ات را پرداختم کار نکن و خانه داری کن. بلکه اگر مردی به زنش بگوید کار نکن و خانه‌داری بکن، به نفقه استناد می‌کند و می‌گوید چون خرجی‌ات را می‌دهم، بنشین و خانه داری بکن.

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی، به زن این اجازه را داده که مادامی که مرد مهریه او را نپردازد، مشروط به این که مهریه او به «دین» تبدیل نشده باشد، در «وظایف زناشویی» خود یا همان رابطه جنسی «تمکین» نکند. آیا این ماده به نظر شما کارکرد عاطفی مهریه که همان هدیه است را زیر سوال نمی‌برد؟

کاملاً درست است. در صورتی که ما قائل به هدیه‌بودن مهریه باشیم، دیگر اجبار برای ارائه آن در برابر وظایف زناشویی، معنا ندارد. وقتی می‌توان برای انجام کاری شرط پرداخت هزینه‌ای را در نظر گرفت که ماهیت آن بده بستان، اقتصادی باشد و نه عاطفی. این موضوع به این برمی‌گردد که در قانون مدنی ایران، مهریه بیشتر به کارکردهای اقتصادی آن متکی است تا کارکردهای عاطفی.

آیا این نگاه با کارکردی که اسلام برای مهریه در نظر گرفته تطابق دارد یا نه؟

مهریه یک قانون تأسیسی اسلامی نیست، بلکه یک نهاد امضایی است. یعنی مبدع آن شرع اسلام نیست؛ بلکه قبل از این دین هم به عنوان یک سنت در جامعه اعراب وجود داشته و بعد وارد اسلام نیز شده است. بنابراین من نمی‌توانم پاسخ صریحی در مورد هدف اسلام از وارد کردن مهریه به سنت خود بدهم، زیرا این امور، مرتبط با عرف آن زمان و عادات آن مردم نیز بوده است.

از طرف دیگر همان‌طور که در مورد مهریه فلسفه‌های متنوعی هست، برای اصل ازدواج هم کارکردهای متفاوتی وجود دارد. ما نمی‌توانیم بگوییم ازدواج، تنها ارضا‌کننده میل جنسی است؛ چون بسیاری گزینه جنسی خود را در

روابط خارج از ازدواج تأمین می‌کنند.

حتی نمی‌توانیم بگوییم هدف ازدواج، تولید نسل به تنهایی است. چون باز می‌بینیم هستند کسانی که بدون ازدواج، به تولید فرزند می‌پردازند، یا حتی با ازدواج، نمی‌خواهند صاحب فرزند بشوند. ازدواج کارکردهای چندگانه‌ای دارد که در طول تاریخ، ثابت نبوده و در جوامع مختلف متغیر بوده‌اند. در مورد کارکرد مهریه نیز همین‌گونه است. در مورد پرسش شما در مورد کارکرد اقتصادی مهریه، نمی‌توانیم بگوییم دقیقاً این فلسفه قطعاً با هدف اسلام سازگار است یا نه.

با توجه به غلبه جنبه امضایی مهریه بر جنبه تاسیسی در سنت اسلامی آیا امکان شرعی حذف قانون مهریه وجود دارد؟

بله! می‌توان راهکارهایی را در نظر گرفت که با رعایت مبانی شرعی، مهریه به شکل کنونی حذف یا تعدیل شود، ولی به نظر من حذف این قانون اولویت جامعه ما نیست. حتی اگر قانون مهریه حذف هم بشود، زنان می‌توانند در رابطه با همسرانشان، شروط سنگین مالی وضع کنند و کسی هم نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد.

برای همین است که عرض می‌کنم جنبه فرهنگی مهریه بر جنبه حقوقی و حتی شرعی آن اولویت دارد.

مردم می‌توانند سویه‌های منفی مهریه خود را با تغییراتی حذف کنند. مثلاً اگر با کمتر کردن میزان مهریه‌ها، جنبه عاطفی آن تسلط پیدا کند، دیگر کسی سراغ حذف قانون مهریه نمی‌رود. و اگر حق طلاق برای زنان به رسمیت شناخته شود، دیگر زنان نیازی به استفاده از مهریه به عنوان ابزاری برای فشار به شوهر برای طلاق نخواهند داشت.

اما حتماً امکان حذف و تغییر این قانون به لحاظ شرعی هست. اصولاً شرع اسلام باید همپای تغییر نهادهای اجتماعی پذیرای تحول باشد. نه فقط در مورد مهریه بلکه در مورد نفقه هم به نظر من می‌توان چنین تغییراتی را همگام با تحولات فرهنگی اعمال کرد.

در حالی که در زمان صدر اسلام، مرد تمکن اقتصادی بیشتری داشت، و او بود که ضامن پرداخت مهریه می‌شد، حالا و در عصری که زنان همپای مردان به کسب درآمد می‌پردازند، هیچ اشکالی ندارد که زنان توانمند مالی و اقتصادی، موظف بشوند به شوهران نیازمند و تهیدستان که به هر دلیلی توان مالی ندارند، نفقه و خرجی بپردازند.



فریده غیرت: تا زمانی که حق طلاق منحصر به مردان است، مهریه نباید حذف شود

فیروزه رمضان زاده

فریده غیرت، حقوق‌دان و وکیل دادگستری ساکن تهران، از آن دسته حقوق‌دانانی است که مهریه بالا و گزاف برخی از زنان ایرانی را ثمره یک‌طرفه بودن حق مطلق مردان برای طلاق و نبود تضمین برای زنان می‌داند. این حقوق‌دان با قراردادن مهریه های سنگین مخالف و معتقد است مهریه تا زمانی که حق طلاق برای مردان وجود دارد، نباید حذف شود. با این وجود، او موافق حذف مهریه است.

شرح کامل گفت‌وگوی «حقوق ما» با خانم فریده غیرت، حقوق‌دان و وکیل دادگستری ساکن تهران در ادامه آمده است:

یک روز اگر حق طلاق مرد از بین رفت؛ بله! مهریه هم باید از بین برود.

مقابل آن حق طلاقی است که به مرد داده شده در حقیقت یک حمایت قانونی هم می‌تواند تلقی شود.

این یک واقعیت جامعه ما است و تا زمانی هم که این قانون تغییر نکند و از بین نرود حاکم است و در حال اجراست. منتها آنچه که ایده‌آل است و ما اعتقاد داریم که نباید باشد، بله! اصلاً مهریه باید از بین برود، مهریه که از بین رفت بسیاری از معضلات مربوط به آن هم از بین خواهد رفت و بعد هم مسأله حق طلاق دچار اختلالات و خللی خواهد شد. بنابراین به ارتباط بین این دو موضوع توجه داشته باشیم، همان طور که گفتم ایده‌آل این است که بله! مهریه اصلاً نباشد.

اما از این سو نباید حق طلاق [تنها] به مرد داده شود. این بحثی است که در آینده بتوانند قوانین را تغییر دهند و اگر این قوانین تغییر کنند اساساً دیدگاه‌ها تغییر خواهد کرد.

خانم غیرت! آیا در وضعیت کنونی جامعه ایران؛ همچنان مهریه به نفع زن ایرانی است یا خیر؟
با یک نگاه کلی اگر بخواهیم به مسأله مهریه نگاه کنیم، علی‌القاعده به نفع خانم‌ها است.

توجه داشته باشید مهریه به ضرر مرد است و به نفع زن؛ منتهای مراتب، بحث را باید به دو قسمت کرد: یکی این که آن چه وجود دارد و یکی آنچه باید وجود داشته باشد. یکی آنچه حقیقتی است که اکنون در جامعه ایران وجود دارد، قوانینی که وجود دارند و قوانین ما مهریه را در داخل مقررات مربوط به ازدواج آورده است، یعنی مرد باید یک مبلغ یا مال معینی را به عنوان مهریه زن قرار بدهد و این در

ولی مشکل بزرگی که الان در جامعه ما وجود دارد، مهریه‌های سنگینی است که خانم‌ها قرار می‌دهند و این هم باز به خاطر یک نوع قبول تأمینی است که برای خودشان قرار می‌دهند. در مقابل آن حق طلاق که مرد دارد، این مهریه‌های سنگین را برای خودشان قرار می‌دهند که بتوانند از آن به عنوان یک اهرم فشار استفاده کنند. ولی واقعیت این است که موضوعی که ما بارها در حد توانمان در کنار سایر افرادی که دل برای جامعه می‌سوزانند -نظیر سایر حقوقدان‌ها و مصلحین جامعه- پیشنهاد کردیم، این بوده است که رقم‌های بالای مهریه را اصلاً نگذارند [تعیین شود]. این رقم‌های بالا باعث بروز مشکلاتی می‌شود و از طرفی در موقع ازدواج هم خانم‌ها شرط و حق طلاق را موقع عقد برای خودشان قرار دهند.

در این شرایط بسیاری از مردان برای فرار از پرداخت مهریه می‌توانند نسبت به تقاضای اعسار اقدام کنند.

اعسار یک بحث دیگر است. ببینید وقتی مردی می‌خواهد همسرش را طلاق بدهد طبق قوانین ما باید تمام حقوق مالی زن را پرداخت کند. حقوق مالی او عبارت است مهریه، نفقه، اجرت‌المثل اگر مطالبه شود و مسائل دیگر. اما اگر زن مطالبه طلاق می‌کند مرد می‌تواند تقاضای اعسار بدهد و تقاضای اعسار هم که بدهد مهریه از بین نمی‌رود.

توجه داشته باشید که با توجه به قوانین موجودی که ما با آن سروکار داریم مهریه از بین نمی‌رود، ساقط نمی‌شود، وجود دارد؛ منتهای مراتب، قاضی تقسیط می‌کند. می‌گوید مثلاً ماهی دو تا سکه، سه تا سکه بده؛ یا الان ۵۰ میلیون بده یا بعداً ۱۰ میلیون بده؛ این‌گونه تقسیط می‌کند. بر حسب توانایی آن مرد تقسیط می‌کند اگر تقاضای اعسار کند، ولی توجه داشته باشید مهریه از بین نمی‌رود.

پس تکلیف مردانی که ثروتشان را مخفیانه به نام نزدیکان خود سند می‌زنند، چه می‌شود؟ چطور تقاضای اعسار و توانایی مالی آنها از نظر دادگاه بررسی می‌شود؟

اگر مردی قبل از ازدواج، مالش را به فرد دیگری منتقل کرده باشد و به نام خودش نباشد، حرجی بر او نیست و نمی‌توانیم به او ورود کنیم. نه فقط زن نمی‌تواند، بلکه هیچ طلبکار دیگری نیز نمی‌تواند به آن مرد بگوید که تو فلان مبلغ را به من بده چون به زمان گذشته مربوط است.

اما اگر از زمانی که مرد ازدواج کرده و زن مطالبه مهریه اش را می‌کند، -خوب توجه کنید! امروز مثلاً اول اردیبهشت ماه است زن مهریه‌اش را مطالبه کرده، اجراییه صادر کرده و اجراییه به دست شوهر رسیده- اگر مرد بعد از اطلاع از این مساله، دوم یا سوم اردیبهشت ماه برود و مالش را منتقل

کند، این انتقال مال، «معامله به قصد فرار از دین» است و خلاف است و می‌توان آن را باطل کرد. ما چندین مورد پیش آمده که باطل کرده‌ایم. اما اگر قبل از مطالبه مهریه زن باشد، نمی‌توان کاری کرد.

در حال حاضر زنان پس از مراجعه به دادگاه و اقامه دعوی برای دریافت حق مهریه‌ای خود باید سه و نیم درصد میزان خواسته را پرداخت کنند. این هزینه برای زنان خانه‌دار که درآمدی ندارند، هزینه کمی نیست.

آیا راهکار قانونی برای این مشکل تعیین شده است؟ بله، راهکار قانونی اصولاً هم برای خانم‌ها و هر کسی که دعوای مالی دارد، وجود دارد. اصولاً مهریه هم یک دعوای مالی تلقی می‌شود و برای آن می‌توانند تقاضای اعسار از پرداخت و اعسار از هزینه دادرسی بدهند. دو تا شاهد هم معرفی می‌کند، شهود را قاضی بررسی می‌کند و تقاضای اعسار را می‌پذیرد. بعد از این که این خانم توانست مالی به دست آورد، باید حق دولت را بپردازد چون آن هزینه، هزینه دولت است و باید آن را پرداخت کند ولی قبل از آن می‌تواند تقاضای اعسار بدهد.

این فرایند، طولانی نیست؟

این پروسه اتفاقاً طولانی نیست، اعسار را خیلی زود رسیدگی می‌کنند. یعنی به محض این که تقاضای اعسار بدهند، فوری تعیین وقت می‌کنند، شاهد را می‌پذیرند و اگر قانع شوند، تقاضای اعسار را می‌پذیرند.

در جوامع غربی اموال بعد از طلاق بین زن و شوهر تقسیم می‌شود، آیا در نظام حقوقی ایران به این موضوع توجه شده است؟

بله، ببینید ما قانونی داریم به نام قانون «تنصیف اموال». یک بندی است که به سندهای ازدواج اضافه شده که اگر طلاق واقع شود و تقاضای طلاق از تقصیر و تخلف زن از وظایف زناشویی یا سوءاخلاق و سوءرفتار وی نبوده باشد، مرد مکلف است نصف آنچه را که پس از ازدواج بدست آورده، به زن بپردازد.

خانم غیرت به عنوان کلام آخر، به نظر شما در شرایط فعلی جامعه ایران آیا می‌توان مهریه را حذف و

جایگزین بهتری برای آن ایجاد کرد؟

من اعتقاد دارم که مهریه با توجه به حق طلاق که برای مرد وجود دارد نباید از بین برود. شما چرا در اینجا، این قدرتی را که قانون‌گذار به زن داده را می‌خواهید از او بگیرید؟ این کار را نباید کرد. این کار خطرناک است. خانم‌های زیادی هستند که به ما مراجعه می‌کنند که در موقع عقد دچار احساسات شدند و هیچ مهریه‌ای برای خودشان قرار ندادند و گفته‌اند مثلاً فقط یک جلد کلام الله مجید و آینه و شمعدان؛ یا دو یا پنج سکه مهریه داشته‌اند. ما به آنها انتقاد می‌کنیم. چون یک اهرم فشار است، این یک اهرمی است در مقابل حق طلاق که مرد دارد.

یک روز اگر حق طلاق مرد از بین رفت؛ بله! مهریه هم باید از بین برود. ولی این دو تا در مقابل هم هستند. این به عنوان حقی است که برای زن در نظر گرفته شده نباید از بین برود، وقتی حق طلاق از بین رفت مهریه هم باید از بین برود.

ببینید، درد ما این است که زن حق طلاق ندارد، حق طلاق متعلق به مرد است در مقابلش چه حقی داریم به این زن می‌دهیم؟ فقط داریم به او مهریه می‌دهیم، منتها نباید مهریه زیاد باشد. زن باید در موقع عقد شرط کند، شرط طلاق را برای خودش قرار بدهد. این‌ها همه موانعی می‌شود که جلوی ضررش را در آینده می‌گیرد جلوی بی‌پناهی زن را می‌گیرد.

الان درست است که حق طلاق با مردان است و ما داریم روی این قانون کارها و بررسی‌های زیادی می‌کنیم ولی به زن هم این اختیار داده شده که در هنگام عقد این شرط را برای خودش قرار دهد که بتواند هر وقت بخواهد خودش را مطلقه کند. ما تعدادی زیادی داشتیم خانم‌هایی که آمدند و از ما کمک گرفتند، راهنمایی خواستند. به آنها گفتیم، این کار را هم کردند و موقع طلاق استفاده کردند. این حق را باید برای خودشان بگیرند. متأسفانه خانم‌ها آگاه نیستند و موقع ازدواج با چشم و هم چشمی و با کمال تاسف، مهریه‌های بسیار سنگین، چندین هزار سکه می‌گذارند و ولی به حق طلاق که موضوعی بسیار اساسی است توجه نمی‌کنند و آن را برای خودشان شرط نمی‌کنند.

بنابراین لازم است یک مهریه متعادل معمولی را برای خودشان قرار بدهند ولی حق طلاق را هم در کنارش برای خودشان بگذارند.

سه شعر از مهتاب خرمشاهی



۱
«آزادی»

وقتی نباشی
بهار هم نفس تازه‌ای نمی‌کشد
درها رو به دیوار باز می‌شوند
و صداها به بن بست می‌رسند
وقتی نباشی
من و ما از کدام واژه بگوییم
که شعر را بسراید
وقتی نباشی
خدا هم نمی‌خواهد
جهانی بسازد
که انسان هر صبح
لبخند زنان با تو بگوید
صبح به‌خیر آزادی!

#کوی_دانشگاه
#هجده_تیرماه_هفتادوهشت

۲

با من از امروز مگو
من زندانی سال‌های فصولم
فصلی از ریشه‌های درد
فصلی از شکستن‌های مرگ
رهایی‌ام را در گوش باد خواندم
طوفان شد و گریست
فریادم را به دشت سپردم
خشکید و شکست
اشک‌هایم را به دریا دادم
طلوع را ندید
من قربانی سال‌های فریب
من آوازه‌ی نسل‌های غریب
من اسیر در زندان زمینم
با من از فردا مگو

۳

قطره قطره خشکید
ترک خوردی و زمین گریست
ناله کردی و آسمان عزا دارت شد
دیگر نخل‌ها نخندیدند
تبرها سینه‌ات را شکافتند
و مین‌ها سرود سوگ سر دادند
خرمیت‌ات را به خون کشیدند
آبادانی‌ات را به روی آب بستند
آب‌ها فریاد کشیدند تشنه‌اند تشنه
و تو خشکید و دیگر نخل‌ها نخندیدند

